

اجتماعی و روانکاری در وضعیت در حال گذار و طلوع جان لنون منتشر شده است.

- Subject to ourselves (1996).
- The Mourning of John Lennon (1999).
- Social Theory and Psychoanalysis in tradition (2nd edition, 1999).

آنتونی الیوت در یک مقدمه، پنج فصل و یک نتیجه‌گیری مطالب و برداشت‌های نظری گوناگون درباره‌ی مفهوم "خود" را تنظیم کرده است.

نویسنده در مقدمه تلاش می‌کند تا رویکردها و دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی تعریف "خود" و چگونگی شکل‌گیری آن را از یکدیگر متمایز کرده و تعریف و رویکرد خاص خود را ارائه کند. به نظر وی با مسأله خود در عین حال می‌توان به کانون نظریه اجتماعی معاصر نیز دست یافت. نظریه اجتماعی معاصر اینک توجه خاصی به ماهیت خود، هویت شخصی و سوژکتیوته فردی دارد (ص. ۸).

مسأله مربوط به ساخت اجتماعی خود؛ مشاجرات نظری درباره‌ی اینکه

معرفی و نقد کتاب:

مفاهیم خود

Antony Elliott, *Concepts of the Self* (Oxford: Polity Press, 2001), 171.

درباره‌ی نویسنده:

آنتونی الیوت استاد نظریه اجتماعی و سیاسی در دانشگاه وست اینگلند است و همزمان ریاست مرکز نظریه انتقادی را نیز برعهده دارد. از ایشان کتاب‌های زیادی مانند: نظریه

می‌شود. به نظر وی "خود" بر مبنای صورتبندی‌های غالب پیرامونی شکل می‌گیرد. به عنوان نمونه، در چارچوب سرمایه‌داری پسا صنعتی که اینک در قالب جهانی عمل می‌کند، خود فردی عمدتاً برای معنا بخشیدن به زندگی روزمره‌ی خویش عمدتاً به مصرف، فراغت و مسافرت تمایل پیدا کرده است (ص. ۲).

مباحثات مربوط به چگونگی شکل‌گیری خود را می‌توان به خوبی در مسأله کارگزاری انسان مشاهده کرد. آیا خود محصول کارگزاری فردی، آگاهی فردی و میل فردی است؟ (ص. ۳). یا اینکه امری است که در تعامل با مردم دیگر ظهور پیدا می‌کند و فرایندهای اجتماعی و نهادهای سیاسی بر نحوه‌ی شکل‌گیری بر آن تأثیر می‌گذارند؟ (ص. ۲).

بر مبنای پاسخ به این پرسش‌ها دو مکتب بزرگ جبرگرایی یا دترمینیسم اجتماعی و اراده‌گرایی روانشناختی شکل گرفته است. بنابراین هر چند که ایده "خود" در کانون توجه مکاتب فکری مختلف در علوم اجتماعی قرار دارد، ولی تأکید بر

چگونه افراد می‌توانند از طریق وسایل و امکانات نمادین روایت‌های خود را بیان کنند، مسائل مربوط به نقشی که شکل‌گیری خود در بازتولید یا فساد تمدن و فرهنگ ایفا می‌کند، از اهم مسائل نظری علوم اجتماعی دوران ما هستند. به نظر الیوت کانونی شدن مسأله "خود" فرصت مناسبی برای بازاندیشی درباره‌ی رابطه بین فرد و جامعه است. همچنین فرصت مناسبی برای بررسی دوباره‌ی این موضوع در اختیار ما قرار می‌دهد که چگونه افراد به هویت‌ها یا سوژه‌هایی تبدیل می‌شوند که وارد تعامل با مردم، روابط و نهادهای اجتماعی می‌شوند. آنتونی الیوت در "مقدمه" رویکرد پژوهشی خاص خویش را به وضوح آشکار می‌کند. پرسش‌ها و مسائل مورد نظر وی را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد:

۱) پرسش اساسی این است که "ما چگونه خود را تعریف می‌کنیم؟" (ص. ۱). آیا تعریف "خود" امری فردی و شخصی یا درون شخصی است یا اینکه در ارتباط با فرهنگ، اجتماع و سیاست تعریف

خود و هویت را فرازمانی و فرامکانی تلقی می‌کنند به این معنا که زمان و مکان در شکل‌گیری "خود" نقشی ندارند. به نظر الیوت خود امری در زمانی و در مکانی است. این خود متأخر را که برخی "خود پست مدرن"^۱ نیز نامیده‌اند کاملاً با خود سنتی و مدرن تفاوت دارد. خود پست‌مدرن در مقایسه با اسلافش کمتر در مکان‌های معینی جاگیر و ثابت می‌شود. خود پست‌مدرن در تقاطع مجموعه‌ای متکثرتر از مکان‌ها، ملیت‌ها، ساختارها و مقررات بین‌المللی و فراملی جاگیر می‌شود (گیبیز و بوریمر، ۱۳۸۱، ص. ۸۲).

۳) آنتونی الیوت به سنت جامعه‌شناسی نمادین^۲ تعلق دارد. به این معنا "خود" به مثال پروژه نمادینی نگریسته می‌شود که ما را نسبت به خودمان، مردمان دیگر و جامعه بزرگتر راهنمایی می‌کند. خود فرایند تفسیر نمادین^۳ است. ما از وسایل نمادین (زبان‌ها، تصاویر،

عنصر کارگزاری با توجه به رهیافت‌های جامعه‌شناختی، روانکاوی، پسا-ساختارگرای، فمینیستی یا پست‌مدرن تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال نظریه‌های جامعه‌شناختی به این موضوع علاقمند هستند که چگونه مفهوم "خود" بوسیله نهاد فرهنگی و اجتماعی دیگری شکل می‌گیرد و چگونه "خود" نقشی اساسی در تأسیس و بازتولید شبکه‌های اجتماعی ایفا می‌کند.

در مقابل نظریه‌های روانکاوی بر تعارضات عاطفی هویت بر قدرت فرد برای ایجاد و تغییر پیوند بین خود و جامعه تأکید می‌کنند. غیر از مؤلفه کارگزاری، این نظریه‌ها را می‌توان بر مبنای اولویت قائل شدن برای تجربه اجتماعی یا فردی در تعریف "خود" وحدت یا چندپارگی، تداوم و تفاوت، عقلانیت یا عاطفی بودن، روابط جنسی و جنسیتی تقسیم‌بندی کرد.

۲) از نظر آنتونی الیوت "خود" مفهومی ثابت و پایدار نیست؛ بلکه منعطف، غیرمتمرکز و حساس و سیال است. برخلاف پژوهشگرانی که

1- Postmodern Self

2- Symbolic Sociology

3- Symbolic Elaboration

نشانه‌ها) برای تغییر انگیزه‌های خودمان و دیگران استفاده می‌کنیم و روایت‌های هویتی را بیان و بازگو می‌کنیم. برخی از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که چنین مرزهای نمادین یا تفسیری، واسطه اساسی برای فهم خود نیستند. در رویکرد اخیر "خود" به مثابه ابژه یا موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد (ص. ۴). استدلال الیوت بر دیدگاه اخیر این است که خود نمی‌تواند جدای از خود در تفسیرهای^۱ شخص یا سوژه فردی فهمیده شود. او بیشتر خود را به رویکرد چارلز تیلور در کتاب "منابع و سرچشمه‌های خود" نزدیک می‌داند. یکی از مهمترین مشخصات اساسی خود این است که فردیت مشخصاً ساخته می‌شود، به صورت تفسیری تعبیر شده و بین شخصی ساختمانند می‌شود (ص. ۵).

۴) چه رابطه‌ای بین علوم اجتماعی و تعریف ما از خودمان وجود دارد؟ علوم اجتماعی چگونه به خودفهمی‌های ما کمک می‌کنند. الیوت، پاسخ این پرسش‌ها را از زبان

آنتونی گیدنز بیان می‌کند. به نظر گیدنز مفاهیم علوم اجتماعی وارد زندگی روزمره‌ی ما می‌شوند و به بازتعریف مردم از خودشان کمک می‌کنند. زبان علوم اقتصادی، علم سیاست یا جامعه‌شناسی فقط این دانش را در اختیار ما قرار نمی‌دهند که ما از شیوه‌های مناسب در این مناسبات استفاده کنیم. بلکه دانش و زبان اینها وارد زندگی و خودآگاهی عمل ما می‌شوند و به آن شکل می‌دهند. ممکن است مردم معنای فنی اصطلاحات اقتصادی مانند "واریز کردن" یا تورم را ندانند، ولی در شیوه زیست مردم همین که با بانک برخورد می‌کنند دانش عملی آن را به دست می‌آورند. به این معنا دانش به شیوه زیست و برداشت ما از خودمان شکل می‌دهد. این بحث به ویژه در حوزه رسانه‌های جدیدی مانند کامپیوتر و اینترنت بسیار داغ است و آثار زیادی درخصوص این پدیده‌ها و تأثیرات آنها بر "خود" تولید شده است (نگاه کنید به فصل چهارم سیاست پست مدرنیته).

۵) تمایز مفهومی هویت (Identity) از خود (Self). دانشمندان

۶) تأثیرات دگردیسی مفاهیم بر شکل‌گیری خود؛ دگرگونی مفاهیم و برداشت‌هایی که از خود در سطح آکادمی و حوزه عمومی به وجود می‌آید، لاجرم بر فرهنگ و زندگی روزمره اثر می‌گذارد. برای مثال گفته شده است که جنبش زنان در شکل معاصرش بدون مجموعه‌ای از نظریات فمینیستی که به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۶۰ م. و ۱۹۷۰ م. به وجود آمدند بی‌اثر بود. فرهنگ شدیداً سیاسی شده‌ی دهه ۱۹۶۰ م. و اوایل دهه ۱۹۷۰ م. که در آن بر تجربه شخصی، خود - دگردیسی، سبک زندگی و سیاست هویت تأکید می‌شد، عمیقاً در لایه‌های زیرین زندگی روزمره و عمل فرهنگی رخنه و رسوخ کرد. اینها همه‌ی محصول تغییر مفهومی بود که بیشتر آنان در علوم اجتماعی و انسانی درباره‌ی مفاهیم سوژه و هویت شخصی به وجود آمد (ص. ۱۲). و البته بدون انکار به شیوه‌ای دیالکتیک خود همین جنبش‌های جدید نیز تلاش می‌کند تا مفاهیم را از نو احیاء و بازسازی کنند. بنابراین رابطه دو

علوم اجتماعی برای تحلیل فردیت از طیف اصطلاحی گسترده‌ای مانند "هویت"، "سوژه" یا سوژکیتوته و یا "خود" استفاده می‌کنند. برای مثال مفهوم "هویت" و "خود" در بسیاری از متون مترادف گرفته می‌شوند. به نظر الیوت تفاوت قابل توجهی بین این دو اصطلاح وجود دارد. این دو مفهوم، هم گسترده^۱ نیستند؛ چون اشکالی از هویت وجود دارد که مبتنی بر "خود" نیستند. یعنی اشکال هویت جمعی مانند هویت‌های ناسیونالیستی. هویت جمعی نیرو و توان خود را از استقرار و بازشناسایی علائق مشترک می‌گیرد. علائق مبتنی بر طبقه و یا ملت و غیره. "خود" نیز هر چند با توجه به چنین نیروهای عمومی و سیالی شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود، ولی ساخت خود به لحاظ عاطفی و روانشناختی مدنظر است و به مطالعه شیوه‌هایی پرداخته می‌شود که میل، احساس و عاطفه بر تجربه خودآگاه یا ناخودآگاه از جنسیت، امر جنسی، نژاد و قومیت تأثیر می‌گذارد (صص. ۹ و ۸).

فصل اول: خود جامعه و زندگی روزمره

عمدتاً بحثی درباره‌ی این مسأله است که "خود" چگونه وارد جامعه‌شناسی شده است؟ در این فصل سه رهیافت پرنفوذ جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد که اساس بحث آنها این است که خود چگونه در دنیای اجتماعی شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. چگونه مردم به سمبل‌ها و امکانات نمادین برای شکل بخشیدن به خود استفاده می‌کنند؟ (صص. ۲۳ و ۲۲). الیوت برای پاسخ به این سؤالات بحث خود را بر اندیشه‌های مید، هربرت بلومر، گافمن و گیدنز متمرکز می‌کند.

به نظر الیوت منظور از تأکید بر قالب‌های اجتماعی و سنت‌های فرهنگی این نیست که فرد فقط حاصل نیروها و عوامل بیرونی است. بلکه برعکس منظور منابع فرهنگی و اطلاعات اجتماعی و نمادین است که در آن افراد ساختار تجربه شخصی و هویت خود را به تصویر می‌کشند و پیوسته به طور خلاف درگیر روند بازآفرینی خود هستند (ص. ۴۳).

سویه است. به این معنا که تغییر مفهومی نسبت به جهان در قالب اندیشه "جهانی شدن" شکل می‌گیرد، نهادها و جنبش‌های جهانی پدید می‌آیند و اینها نیز به نوبه‌ی خود تعریف و مفهوم جدیدی از گستره‌ی "خود" ارائه می‌کند.

(۷) سیاست هویت: (Identity Politics) برای بسیاری از مفسران، دقیقاً به این دلیل ارزشمند است که توجه آن معطوف به اشکال فرهنگی جدید همبستگی و تضاد اجتماعی است که در سطح فرد تجربه می‌شود و موضوعاتی مانند تکنولوژی‌های جدید ارتباطی یا جنبش‌های نوین اجتماعی از اهمیت برخوردار می‌شوند (ص. ۱۵). هم‌چنان که الیوت اشاره می‌کند ارتباطات عمیق بین عوامل اجتماعی مانند مهاجرت توده‌ای، ملت چند فرهنگی، نفوذ رسانه‌های عمومی و استاندادهای فرهنگی آمریکایی از یک سو و پرسشگری درباره‌ی هویت شخصی و خود از سوی دیگر وجود دارد. بین هویت و سیاست رابطه ژرف وجود دارد (ص. ۱۶).

فردی و نظم اجتماعی غیرتاریخی و محافظه‌کارانه است. مارکوزه این پیش فرض فروید را نادرست دانست که ضرورت فرهنگی، سرکوب روانی را ایجاب می‌کند، فروید نتوانست به خوبی این نکته را دریابد که جامعه سرمایه‌داری (به عقیده مارکوزه) در جوامع مختلف، سطوح متفاوتی از سرکوب روانشناسی را تولید می‌کند. جایجایی از سرمایه‌داری بازار به سرمایه‌داری انحصارگر به‌ویژه سطوح زیان‌آوری از سرکوب را تولید کرده است، به‌گونه‌ای که "خود" کاملاً در منش تجاری فرایندهای اقتصادی ذوب و حل شده است. ولی این وضعیت، وضعیتی همیشگی یا غیرقابل تغییر نیست. به نظر مارکوزه وجود جامعه غیرسرکوب‌گر ممکن است.

او معتقد است که در نظریه‌های فروید به راه‌های ممکن آزاد کردن خود اشاره شده است. به این معنا می‌توان نظریه‌های فروید را حامی مقاومت سیاسی تلقی کرد. این رهایی را در عمل می‌توان در جنبش‌های اواخر دهه ۱۹۶۰ م. و

فصل دوم: سرکوب خود

در این فصل نویسنده بر برداشت‌های روانشناختی از خود تأکید می‌کند و نظریه فروید درباره‌ی ناخودآگاه را در کانون بحث خویش قرار می‌دهد. عمدتاً به جهان درونی خود - منازعات درونی و امیال غیرقابل پذیرش - می‌پردازد که از طریق فرایند سرکوب و طرد و انکار از ضمیر خودآگاه دورنگه داشته شده‌اند. به نظر فروید همواره یک شکاف قابل توجه بین خودهای ایده‌آل و خودهای واقعی^۱ معینی بین خود فردی و هویت اجتماعی وجود دارد. به نظر فروید، ناخودآگاه سرکوب شده است.

بعدها هربرت مارکوزه در کتاب "عشق و تمدن" باز تفسیری سیاسی از اندیشه‌های فروید را ارائه کرد. او سرکوب روانی را با سرکوب سیالی پیوند زد. به نظر مارکوزه، تفسیر فروید از تنش و کشمکش بین میل

جامعه مدرن افراد تابع "قدرت انضباطی" گشته‌اند؛ قدرتی که پنهان، یکنواخت^۱ و غیرقابل رؤیت است. زندان مدرن مظهر چنین قدرتی است. برخلاف انواع تنبیه ماقبل مدرن که در آن مجازات معمولاً آشکار و خشن بود، زندان‌های مدرن مبتنی بر کنترل تفکر، مشاهده، تربیت و مراقبت هستند. فوکو از اصطلاح "سراسرین"^۲ که در اصل توسط جرمی بتام بکار رفت برای توصیف چنین وضعیتی استفاده می‌کند. زندان‌های مدرن به گونه‌ای طراحی شده که نگهبان از بالا می‌تواند تمامی رفتارها و کنش‌های زندانی را زیر نظر داشته باشد و زندانی که نگهبان را نمی‌بیند، مداوم در این فکر نگه‌داشته می‌شود که کسی مراقب اوست. چنین وضعیتی در چنان سطحی نهادینه می‌شود که "انضباط" به امری درونی نیز تبدیل می‌شود و فرد خودش بر "خود" فردی‌اش کنترل و نظارت می‌کند. به نظر فوکو در فرهنگ معاصر، قدرت از طریق

اوایل دهه ۱۹۷۰ م. و در جنبش‌های رادیکال جنسی مشاهده کرد (ص. ۷۰).

با وجود این در هر دو نظریه، یعنی فروید و مارکوزه ارتباط تنگاتنگی بین فرهنگ مدرن و سطوح بالایی از سرکوب جنسی وجود دارد.

فصل سوم: تکنولوژی‌های خود

نویسنده در این فصل به بررسی کمک‌های میشل فوکو در تحلیل خود، قدرت و زبان یا گفتمان می‌پردازد. فوکو تلاش کرد تا به بحث درباره‌ی نظام‌های قدرتی بپردازد که از طریق آنها افراد خودشان را در سطح خود و سوژکتیوته محصور می‌کنند. به نظر فوکو رابطه فرد با جامعه را می‌توان با شناخت تکنولوژی‌های خود مورد بحث قرار داد. فوکو استدلال می‌کند که ما می‌توانیم ظهور اصلاحات اجتماعی و حکومت مبتنی بر قانون را نشانگر گذار به اشکال جدید از انضباط و مراقبت دانست که به طور فزاینده‌ای حوزه‌های متفاوتی از زندگی روزمره را شامل می‌شود. در

1- Monotonous

2- Panopticon

در الگوهای متفاوت رابطه با یکدیگر دسته‌بندی می‌شوند. سؤال اساسی این است که چگونه قدرت جنسی در سطح خود بازتولید شده است؟ چگونه زنان و مردان به هویت جنسی مردانه و زنانه خود پی می‌برند؟ در اینجا نظریه‌های دو فمینیست برجسته یعنی نانسی کودورو و ژولیا کریستوا مورد بحث قرار می‌گیرند.

فصل پنجم: خود پست مدرن

الیوت در این فصل به بررسی فرایندهای اجتماعی جهانی بر زندگی روزمره و تأثیر تکنولوژی‌های ارتباطی جدید و فرهنگ مصرف توده‌ای بر تجربه شخصی و خود می‌پردازد. ظهور اشکال جدید صنعتی (یا پسا صنعتی) و تأثیر آنها بر خود را می‌توان موضوع بررسی قرار داد. در سطح اقتصادی، حرفه‌ها در بخش صنعتی در طی چند دهه اخیر رو به زوال گذاشته‌اند، در حالی که حرفه‌ها در بخش خدمات و ارتباطات به سرعت رو به گسترش است. به علاوه در عصر اطلاعات، سرمایه‌داری جهانی اشکال

مراقبت بورکراتیک، جمع‌آوری منظم اطلاعات و کنترل پیوسته زندگی روزمره‌ی بر افراد تحمیل می‌شود. او جامعه و عصر معاصر را "جامعه سراسرین" می‌نامد.

فوکو مسأله "سکس" را در کانون بحث خود از هویت فردی و خود قرار می‌دهد (ص ۸۷). مفهوم خود در اندیشه فوکو ارتباط نزدیکی با فرایند انقیاد^۱ و روش‌های پیچیده‌ای دارد که در آنها هویت شخص ساختمند می‌شود و توسط نیروها و عوامل اجتماعی شکل می‌گیرد. به نظر الیوت مدل فوکو به اندازه کافی به فهم خود، جنسیت و سرکوب جنسی کمک می‌کند (ص. ۱۰۰).

فصل چهارم: خود، جنسیت و جنس

نویسنده در این فصل به بررسی ماهیت جنس^۲ و رابطه آن با خود می‌پردازد. نظریه فمینیسم معتقد است که مردان و زنان بواسطه جنس خود

1- Subjectification

2- Jender

ویژگی‌های دیگر شخصیتی خود را تغییر دهند. مردان به زنان و زنان به مردان تبدیل می‌شوند. بسیاری از محدودیت‌های سنتی و مدرن "خود" دگرگون شده‌اند. الیوت در بخشی با عنوان "همه چیز مدرن در پست مدرن ذوب و حل شده است"، می‌نویسد که چه تفاوتی بین مافیا و پست مدرنیست‌ها وجود دارد؟ مافیا به شما پیشنهادی می‌دهد که نمی‌توانید آن را رد کنید؛ پست مدرن‌ها به شما می‌گویند که نمی‌توانید بدانید (ص. ۱۳۴).

در وضعیت پست مدرن افراد پست مدرن یاد می‌گیرند تا تنوع هویت‌ها و اجتماعات همپوشی را که بعضی سنتی و بعضی مجازی هستند دستکاری و با هم همساز کنند. همان‌طور که گفتیم سطوح بزرگتر جریان دانش که با تکنولوژی‌های جدید ممکن شده است، "جهان افسار گسیخته" را به وجود آورده که در آن وعده مدرنیته برای ایجاد یک جهان تحت کنترل، محتمل شده و عدم قطعیت، مخاطره و بی‌سازمانی جایگزین شده است. در سطح فرد، این وضعیت "خودهایی" را به وجود

انعطاف‌پذیر کار کوتاه مدت، قراردادی و بی‌ثبات را جایگزین کار کلاسیک (تمام مدت، طولانی مدت با فواید تضمین شده) کرده است. در سطح شخصی این شیوه کار موجب تعارضاتی شده است. به این معنا، زیر پای فرد عمل‌سست و ناستوار شده است و "خود" مجبور است که با این اشکال جدید کار انطباق پیدا کند (ص. ۱۳۹).

سنت جامعه‌شناسی معاصر این مسأله را در کانون توجه خویش قرار داده است. او فردی به نام دیکو را در جهان جدید قرار داده و سپس تأثیرات این وضعیت جدید را بر شخصیت وی به آزمون گذاشته است. سنت مداوم مجبور است شغل خود را تغییر دهد و "خود" خویش را بازسازی کند.

علاوه بر این وضعیت، رسانه‌های جدید نیز تأثیر شگرفی بر بی‌ثباتی خود گذاشته‌اند. امروز کاربران اینترنت با وارد شدن در اتاق‌های گپ‌زنی^۱ به سهولت می‌توانند جنسیت، سن و سال، حرفه و

پست مدرن دوران ما دامن زده‌اند و از این لحاظ اندیشه آنها بحثی درخصوص چگونگی شکل‌گیری "خود" پست مدرن است (صص. ۱۵۱-۱۳۸).

نویسنده در نتیجه‌گیری خود الزام‌های این دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف را برای سیاست هویت مورد بررسی قرار می‌دهد. سیاست هویت در نتیجه فروپاشی فرهنگ‌های دولت - ملت غربی به‌عنوان دلمشغولی اساسی توسعه یافته است و ظهور انواع هویت‌های رادیکال، قومی، مذهبی، ملی یا جنسی تلاشی برای تحقیق درباره‌ی انواع متفاوت خود سرکوب شده است. تفاوت‌هایی که فرهنگ غربی مدرنیستی آنها را به دست فراموشی سپرده است. الیوت معتقد است که در فضای جهانی معاصر به خوبی می‌توان شکل‌گیری خود را مورد بررسی قرار داد. این نگرش به زنده شدن هویت‌های سیاسی منجر می‌شود. انواع جنبش‌های اجتماعی نوین در این زمینه قابل تفسیر است. دنیای پست مدرن پیرامون ما، دنیای سیالیت و

آورده است که از ساختارها و وفاداری‌های سنتی جدا می‌شوند، خودهایی که از موقعیت‌های سنتی در زمان و مکان دور می‌شوند، اما این قدرت را دارند تا به واسطه تکنولوژی‌ها و دانش‌های جدید بازتابند و یا بازاندیشانه شوند.

اشکال جدید هویت مانند خانواده‌های چند شوهری یا تک همسری نتیجه چنین دگرذیسی است و خود باید یاد بگیرد تا نسبت به این وضعیت‌ها به‌صورت سیال و انعطاف‌پذیر عمل کند. خود پست مدرن، خود واکنشی است و مردم را به قول گیدنز در فرایند بازتابندگی یا بازاندیشی قرار داده و به همین خاطر آنچه در عصر پست مدرن اوج می‌گیرد این است که خود ما تلاش می‌کنند تا با اشکال ظاهری خود، "خود" خویش را به جامعه و مردم دیگر معرفی کنند. این همان چیزی است که گیبتر و ریمر نام آن را خود اکسپرسیونیستی یا بیسانگر باور نامیده‌اند (سیاست پست مدرنیست، صص. ۹۹ و ۹۸).

نویسندگانی مانند فلیکس گاتاری، بودریار و لیوتار به بحث خودهای

وی تاریخ اندیشه "خود" را تحریر کرده است. طیف گسترده‌ای از نظریات روانشناختی، جامعه‌شناختی و پست مدرن را می‌توان در این کتاب مشاهده کرد. از این لحاظ نویسنده کتابی خواندنی و اثری برجسته و قابل تقدیر را خلق کرده است. شیوه ساده‌نویسی وی یکی دیگر از امتیازات این کتاب است و همان‌طور که خود در مقدمه (صص. ۲۱ و ۲۰) آورده است هر چند که ممکن است پیچیدگی و تفصیل را در این اثر قربانی کرده باشد، ولی در عوض امیدوار است تا مقدمه‌ای مناسب در بحث از "خود" در اختیار خواننده قرار دهد (ص. ۲۱).

برای خوانندگان ایرانی ناآشنا به این مباحث، این نگرش حسن و خیر است. البته این بدان معنا هم نیست که به سهولت می‌توان این کتاب را خواند؛ خواننده باید حداقل آشنایی را با نویسندگانی مانند بودریار، فروید، لیوتار، کریستوا و دیگران داشته باشد و بدون این آشنایی فهم مطالب پیشین محال و غیرممکن است.

فرصت‌های جدیدی را برای استقلال فردی در اختیار ما قرار می‌دهد. بنابراین سیاست هویت کنونی بسیار رادیکال‌تر از سیاست هویت مدرن است و در حوزه‌های غیرقابل ورود گذشته وارد شده است. سیاست پست مدرن به این معنا باید این "صداها" و "دیدگاه‌های" جدید را بپذیرد و آنها را در خود حل و جذب کند. الیوت از خصوصی شدن سیاست^۱ در برابر سیاسی شدن هویت^۲ صحبت می‌کند (ص. ۱۵۸). سیاست در همه‌ی عرصه‌های "خود" وارد شده است و به قول میشل فوکو قدرت حتی در مناسبات میان من و خودم، مناسبات فردی، بین فردی، اجتماعی و گروهی نفوذ کرده است.

نقد و بررسی

نویسنده در کتاب خود رویکردهای اجتماعی گوناگون درباره‌ی مسأله "خود" را گردآورده است به این معنا می‌توان گفت که

1- Privatization of Politics

2- Politicalization of identity

هیچ‌گونه تلاشی برای نشان دادن این تأثیرات نمی‌کند و خواننده خودش می‌بایست درگیر چنین تفسیری شود. هرچند این نکته عیب و ایراد اساسی نیست، لیکن تأکید بر آن بر شفافیت و وضوح اثر می‌افزاید.

۳- عنوان کتاب را می‌توان اساس "جامعه‌شناسی خود" یا نظریه‌های اجتماعی خود نامید. زیرا نویسنده اساساً به رابطه فرد و جامعه تأکید می‌کند و هر جا نیز که از نظریه‌های روانکاوی فروید یا حتی لاکان نیز استفاده می‌کند، ذهن او معطوف به چنین رابطه‌ای است.

۴- نویسنده رویکرد خاص خود را بسیار نزدیک به رویکرد نمادگرایی تفسیری چارلز تیلور می‌داند. لیکن در کتاب خود تلاش چندانی برای توجیه چنین رویکردی و برتری آن نسبت به رویکردهای دیگر ننموده است. شاید لازم بود که در پایان کتاب فصلی با عنوان نمادگرایی تفسیری و خود می‌افزود و بسیاری از انتقادات پراکنده خود نسبت به رویکردهای دیگر را در ذیل این

با وجود این، کتاب الیوت با عنوان مفاهیم "خود" می‌توانست به صورت بهتری نیز ارائه گردد. مباحث زیر را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد:

۱- آنتونی الیوت در مقدمه کتاب خود میان بحث هویت و خود تمایز قائل می‌شود. اولاً به شکل کامل و مفصل مبانی چنین تمایزی را توضیح و واقعا شرح نمی‌دهد که عناصر و مؤلفه‌های این تمایز چیست؟ ثانیاً در موارد بسیاری در صفحات بعد، از این دو اصطلاح بعضاً به شکل مترادف استفاده می‌کند و نمی‌تواند تمایز اولیه خویش بین این دو مفهوم را حفظ و نگه دارد. به عنوان مثال او در نتیجه‌گیری هم‌چنان از سیاست هویت صحبت می‌کند، در حالی که عملاً می‌بایستی از اصطلاح سیاست خود^۱ صحبت می‌کرد.

۲- یکی از کاستی‌های دیگر الیوت این است که او در آغاز از تأثیرات علوم اجتماعی بر "خود" صحبت می‌کند. ولی در فصول بعدی

از این نظریه‌ها در ارتباط با متن اجتماعی و سیاسی شکل گرفته‌اند و لازم بود که نویسنده بر این مورد تأکید می‌کرد. واقعا خود این نظریه‌ها در چه شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شکل گرفته‌اند. این همان چیزی است که برخی از آن با عنوان جامعه‌شناسی یاد می‌کنند. این نکته بسیار حائز اهمیت است که ما گفتمان نظری را بتوانیم با گفتمان عملی پیوند بزنیم.

منصور انصاری

عنوان قرار می‌داد و سپس دیدگاه تفسیرگرایانه خویش را شرح می‌داد.

۵- تعریف آغازین وی از خود به‌عنوان "خود سیال"، عمدتاً پست مدرن است و لازم بود که آشکارا دین خود به نظریه پست مدرن را اعلام می‌کرد. انتقادات وی از نظریه‌های فمینیستی و روانکاوانه مبتنی بر این فرض است که خود ثابت و پایداری وجود ندارد.

۶- نکته دیگر که مرتبط با مسأله پیشین می‌باشد، این است که بسیاری